

مدیری که هنرمندان دوستش داشتند

علی مرادخانی، معاون هنری اسبق وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی درگذشت

«مهم‌ترین و مثبت‌ترین کار ایشان تاسیس موزه موسیقی است. بی‌شک وجود موزه‌سازها خدمت بزرگی به موسیقی کشور است.» مرحوم علی مرادخانی موضوع این اظهارنظر است که دیروز شهرام ناظری، خواننده سرشناس موسیقی کشور در گفت‌وگو با ایلنا ایراد کرده است. مدیری که کیهان کلهر، موسیقیدان و نوازنده مشهور کمانچه هم در صفحه شخصی‌اش درباره او نوشت: «او از انگشت شمار مسوولان در چهل سال گذشته بود که در باور و عمل «فرهنگ‌وهنر» طریق رشد و کمال می‌دانست.» مرادخانی در سال‌های متوالی خصوصا در عرصه موسیقی کشور، خدمات شایان ذکری ارائه داد و دیروز در اثر عوارض کرونا در بیمارستان چشم از جهان فروبست.

علی مرادخانی فارغ‌التحصیل رشته روان‌شناسی از دانشگاه تهران بود. او پس از پایان تحصیلاتش با حضور در شغل‌های مدیریتی، فعالیت حرفه‌ای خود را ادامه داد و مناصب مختلفی را در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تجربه کرد.

وی خیلی زود به عرصه مدیریت هنری راه یافت و سال ۶۳ کار خود را با مدیریت تولید فیلم و عکس وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی آغاز کرد و تا سال ۱۳۶۵ در همین منصب باقی ماند. پس از آن مدیریت همکاری‌های سمعی و بصری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را تا سال ۱۳۶۷ و از آن زمان تا دو سال بعد، مدیریت مرکز آموزش فیلمسازی را برعهده گرفت و سپس به مشاوره در معاونت سیاحتی و زیارتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مشغول شد و آن را تا سال ۸۳ ادامه داد.

اما ورود او به عرصه مدیریت موسیقی کشور که نامش را به این حوزه پیوند داد از سال ۸۳ آغاز شد. مدیریت مرکز موسیقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تا سال ۸۶ ادامه یافت و مرادخانی از آنجا به مشاوره وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی نقل مکان کرد تا حواشی‌ای را که در دوره مدیریت موسیقی با آنها مواجه بود از سر بگذراند. مرادخانی از سال ۱۳۸۷ به موزه موسیقی که خودش آن را دایر کرده بود، رفت و تا پایان در این سمت باقی ماند.

به گزارش مهر، عضو موسسان جشنواره فیلم فجر (۱۳۶۰)، عضو شورای طرح و برنامه شبکه یک صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۲)، مدیر ۱۴ دوره جشنواره بین‌المللی موسیقی فجر (۱۳۶۹ تا۱۳۸۲)، مدیریت، طراحی و نظارت بر تولید ۹۶ساعت آثار موسیقی نواحی ایران در انجمن موسیقی ایران (۱۳۷۵)، طراحی و مدیریت تولید و اجرای سمفونی عاشورا(خسوف) (۱۳۸۰)، عضو هیات‌موسس و همچنین اولین هیات‌مدیره بنیاد فرهنگی و هنری رودکی، ایجاد خانه هنرمند(اختصاص بخشی از منزل شخصی هنرمندان موسیقی به موزه شخصی) سال۱۳۷۶، همکاری در تاسیس و مدیریت ارکستر موسیقی ملی با استاد فرهاد فخرالدینی و تاسیس خانه موسیقی ایران با همکاری هنرمندان موسیقی ازجمله فعالیت‌های دیگر علی مرادخانی در عرصه فرهنگ و هنر بوده است.

او حدود یک ماه پیش به دلیل ابتلا به ویروس کرونا به مدت سه هفته در بیمارستان بستری شد و پس از یک هفته به دلیل عوارض ناشی از این بیماری بار دیگر راهی بیمارستان شد.

امین عارف‌نیا از همکاران مرادخانی در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در گفت‌وگویی با ایسنا اظهار کرد علی مرادخانی صبح دوشنبه (۱۷خرداد) پس از تحمل دوره بیماری در بیمارستان خاتم‌الانبیا درگذشت.



نقاشی‌های قاجار در بقعه باباجان‌دره

بقعه آقاسیدابراهیم باباجان‌دره یکی از جاذبه‌های تاریخی و مذهبی شهرستان املش است که در بخش رانکوه، روستای باباجان‌دره واقع شده و قدمت آن مربوط به دوران قاجار و سال ۱۲۹۶ شمسی است.

در این بقعه تاریخی آقاسیدابراهیم (ع) و سیدکاظم(ع) دفن شده‌اند. بقعه

باباجان‌دره، تنها بقعه در منطقه کوهستانی است که دارای دیوارنگاره‌های بسیار زیباست.

سختی یک راه صعب‌العبور، رفتن به ارتفاعات رانکوه تا دره‌ای که تنها چند خانوار جمعیت دارد، به دیدن نقاشی‌های حک‌شده بر دیوارهای گچی می‌ارزد. نقوشی

ملی- میهنی‌های انتخاباتی

بازار پخش سرودها و آهنگ‌های ملی- میهنی هر بار در روزهای منتهی به برگزاری انتخابات داغ می‌شود



تصویر، اعضای دسته موسیقی نظامی عصر ناصری را نشان می‌دهد؛ آنها اولین کسانی بودند که ملودی معروف موسیو لومیر فرانسوی را نواختند. همان ملودی‌ای که امروز سالار عقیلی با آن «نام جاوید وطن صبح‌امیدوطن» را می‌خواند

جلب می‌شود که یکی دارد شما را صدا می‌زند، شما را با نظر به هویت ملی‌تان هم صدا می‌زند. خب قلقلک می‌شوید، هیجان زده می‌شوید و می‌خواهید کاری کنید. البته حالا که ستاد ملی مقابله با کرونا، فعالیت ستادهای انتخاباتی در سطح شهرها را به نوعی محدود کرده و از این رو، سرودهای ملی هم کمتر در خیابان‌ها به گوش می‌رسند، تنورشان در شبکه‌های اجتماعی گرم است. امروز به همین بهانه، سرکی در برخی موسیقی‌های ملی و میهنی‌مان کشیده و در این باره چیزهایی گفته‌ایم.

می‌دانیم بنای موسیقی ملی ایران، از سویی بیشتر بر ردیف‌نوازی، آواز و بداهه‌نوازی استوار است. گفتیم موسیقی ملی؛ منظورمان موسیقی دستگاهی ایران است که دو عنوان اشتباه «سنّتی» و «اصیل» نیز به آن اتلاق می‌شود. بگذارید به آن بگوییم کلاسیک تا مفاهیم با هم خلط نشوند. همان‌قدر که موسیقی کلاسیک ایران بر بداهه‌نوازی استوار است، تصنیف از این قاعده بر

نمی‌دانم شما چند انتخابات ریاست جمهوری را به خاطر می‌آورید. دست‌کم در هشت انتخابات اخیر مرسوم بوده که ستادهای انتخاباتی، یک بلندگویی بگذارند در پیاده‌رو و سرودی وطنی را مدام پخش کنند؛ سرودی که عجالتاً و پیش از این‌که بخواند ما را به نامزد انتخاباتی آن ستاد ترغیب کند، می‌خواهد با تهییج احساسات وطن‌دوستانه، پای صندوق رأی بکشد. بی‌تردید یکی از بزرگه‌های داغ شدن بازار این سرودها، همین مواقعی است که نیاز به مشارکت عمومی، از دیگر موارد پیشی می‌گیرد. خب بدیهی است بنابر محتوایی که این آثار می‌پروند، به کار و بار این روزها کمک کنند. فکرش را بکنید شمایی خیال و سر به‌هوا و بی‌توجه به یک ستاد انتخاباتی، در حال تردد از پیاده‌رو هستید که می‌شنوید: «ایرانی به‌سر کن خواب مستی»، خب توجه‌تان



صابر محمّدی

ادبیات و هنر

خواننده

غلامحسین بنان؛ برای مرز پرگهر

در کارنامه غلامحسین بنان، مخملی‌خوان سال‌های نه‌چندان دور موسیقی ایرانی، تصنیف‌های ملی - میهنی متعددی به چشم نمی‌خورد، منتها چه کسی است که سرود «ای ایران» را با صدای او شنیده باشد.

بنان، نخستین خواننده ایرانی بود که خط بین‌المللی موسیقی یعنی نت یاد گرفت و با آن خواند و شد خواننده

محمدرضا شجریان؛ از سپیده تا شب‌نورد

فعالیت محمدرضا شجریان طی سال‌های ۱۳۵۷ و ۱۳۵۸، بیشتر بر خواندن شش تصنیف ملی - میهنی متمرکز بوده است؛ تصانیفی که اغلب آنها محصول کانون چاووش محسوب می‌شود. کانون چاووش را به تلاشش برای اعتلای موسیقی اجتماعی و آوردن موسیقی ملی ایران به خیایان می‌شناسیم.

در اجرای این استراتژی، محمدرضا شجریان مهم‌ترین خواننده چاووش بوده است. او بعدها هم در دهه‌۷۰ با بازخوانی تصنیف «مرغ سحر»، یک تصنیف میهنی دیگر نیز به کارنامه‌اش افزود. بین آثار شجریان در کانون، «رزم مشترک» (همراه‌شو عزیز) را در حساب آثار ملی - میهنی نمی‌گذاریم که بیشتر ناظر بر مفاهیم حماسی و سیاسی است تا لزوماً ملی.

«**میهن**» نام شاعر این تصنیف در آلبوم «چاووش ۷»، الف سپهر ذکر شده است. بعدها نوشته‌اند شاعرش

شهرام ناظری؛ برای ایران جوان

شهرام ناظری نیز همپای محمدرضا شجریان در کانون چاووش فعال بود و خواننده برخی آثار اجتماعی آن روزها. جز تصنیف انقلابی «آزادی» یا شعر فرخی یزدی او خواننده «ای ایران» در آلبوم‌های سوم و چهارم چاووش هم بود. جدای از اینها، شهرام ناظری مجموعه‌ای از تصانیفش را سال ۱۳۹۴ با عنوان «ایران جوان» منتشر کرد.

«**ای ایران**» جز «ای ایران» معروف غلامحسین بنان، یک «ای ایران» هم جواد آذر که تصنیف‌نویس معروف آن سال‌ها بود نوشته بود که محمدرضا لطفی آهنگی بر آن

سبک وزیری - خالقی.

«**ای ایران**» بی‌تردید معروف‌ترین سرود ملی - میهنی ماست. سرودی که در ماه‌های آغازین استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران، سرود رسمی کشور هم بود، یعنی ماه‌های بر سر کار بودن دولت موقت.

اولین بار، بنان آن را در ۲۷مهر ۱۳۲۳ در تالار دبستان نظامی دانشکده افسری در خیابان استانبول خواند.

احسان طبری بوده است. عده‌ای هم معتقدند هوشنگ ابتهاج، شاعر این تصنیف است. برخی دیگر نیز می‌گویند شعر را طبری نوشته و سایه، تغییراتی در آن صورت داده است. همان است که می‌گویند: «ایران خورشیدی تابان دارد/ با جان پیوندی جاودان دارد». حسین علیزاده، آهنگساز این تصنیف بوده است.

«**سپیده**» احتمالاً معروف‌ترین و آشناترین تصنیف ملی - میهنی ما باشد: «ایران ای سرای امید، بر بامت سپیده دمید، بنگر کرین ره پرخون، خورشیدی خجسته رسید». این تصنیف که محصول سه‌گانه هوشنگ ابتهاج (شعر)، محمدرضا لطفی (آهنگ) و محمدرضا شجریان (صدا) بوده، برای نخستین بار همان شب پیروزی انقلاب اسلامی از رادیو و تلویزیون پخش شده و بعدها در آلبوم «چاووش ۷» گنجانده شده است.

البته اگر حالا می‌خواهید نسخه رسماً منتشرشده‌اش را بشنوید، باید آلبومی به همین نام «سپیده» را بشنوید که

ساخت و شهرام ناظری خواندش. این تصنیف در کنسرت‌ها اجرا می‌شد و در دو آلبوم «چاووش ۳» و «چاووش ۴» هم منتشر شد.

«**کاروان شهید**» این تصنیف هم که یک‌بار در همین دو صفحه جام جم مفصل درباره‌اش نوشته‌ایم، جزو تصانیف ملی شهرام ناظری است. در کاروان شهید که آهنگسازی‌اش به عهده محمدرضا لطفی بوده، البته پیش از آن‌که به مفاهیم مرسوم میهنی پرداخته شده باشد، مرثیه‌ای برای یکی از دوستان ناظری که در روزهای آغازین جنگ شهید شده بود، سروده شده است.

«**ایران جوان**» این تصنیف را به عنوان «وطنم» هم

که هنر آقاجان نقاش با رنگ‌های گیاهی است و سال ۱۳۳۵ (قمری) درج شده و بر حاشیه بالای دیوارهای داخلی بقعه، ابیاتی از هفت‌بند محتشم کاشانی است که در فواصل آنها «اللهم صل علی محمدوآل محمد» و «یا ابا عابد!...الحسین اغثنی» نوشته شده است.

مانده است.

لابد تعجب می‌کنید اگر کسی بگوید غم‌انگیزترین ملودی‌ای که شنیده است، ای ایران است. علی قمصری نوازنده تار، اخیراً در گفت‌وگویی تصویری، وقتی از او چنین پرسیدند، چیزی نگفت... با تارِی که به دست داشت، ای ایران را نواخت، منتها نه آن‌طوری که خالقی ساخته و تنظیم کرده بود، بلکه واقعاً غم‌انگیز.

دو شب متوالی.

«ای ایران» آن قدر اثر کرد که شنوندگان، تکرار آن را خواستار شدند و سه بار تجدید شد. اجراهای دیگر مربوط به سال‌های ۱۳۳۷ تا ۱۳۴۲ در برنامه گل‌هاست. خیلی‌ها این شعر حسین گل‌گلاب و آهنگ روح... خالقی را خوانده‌اند ازجمله اسفندیار قره‌باغی، حسین سرشار، رشید وطن‌دوست و... اما بیشتر با صدای بنان به یادها

محمدرضا لطفی در دهه ۸۰ شمسی، ذیل موسسه خود دوباره منتشرش کرد.

«**شب‌نورد**» شب‌نورد به نوعی اعلامیه آغاز به کار چاووش با هدف ترویج موسیقی اجتماعی بود؛ تصنیفی ماندگار با شعر اصلاان اصلانیان و آهنگ محمدرضا لطفی. لطفی درباره این تصنیف و این‌که چطور این شعر را برای آهنگسازی این اثر ملی - میهنی برگزیده بوده، از خلأ ترانه‌های میهنی گفته بود و این‌که هنوز سرود ملی، شاعرانش را نیاخته. این تصنیف در آلبوم «چاووش ۲» آمده است.

«**میهن ای میهن**»؛ تنبیده یاد تو در تار و پودم؛» این شعر ابوالقاسم لاهوتی را از زبان چند خواننده شنیده‌ایم اما آهنگی که محمدجلیل عندلیبی ساخت و شجریان آن را خواند، در انتهای برخی ابیات، سه کلمه افزونه هم داشت تا مقصود شعر، مقصودی کاملاً وطنی باشد: «میهن ای میهن».

«**از خون جوانان وطن**»؛ یک بار سال ۱۳۵۱ محمدرضا

می‌شناسیم؛ شاید یکی از واپسین شعرهایی باشد که بیژن ترقی برای یک آهنگساز با خواننده نوشته است: «عشق من! ای سرزمین مادری...».

آهنگساز تصنیف پیمان سلطانی است. این تصنیف، با چهار تنظیم مختلف در آلبوم «ایران جوان» آمده است. ملودی، همان است که موسیو لومیر فرانسوی ساخته بود.

«**باران**» این تصنیف نیز از سروده‌های بیژن ترقی است؛ البته ضیاءالدین ناظم‌پور نیز در نوشتن شعر همراهی کرده است؛ بر خاک نمناک غم‌انگیز وطن. این تصنیف نیز با چهار تنظیم مختلف در آلبوم «ایران جوان»

آمده است.

«**سرزمین مادری**» باز هم ماجرا به آلبوم «ایران جوان» مربوط است و باز هم سراینده‌گانش بیژن ترقی و ضیاءالدین ناظم‌پور هستند.

«**ریشه در خاک**»؛ با «ریشه در خاک»، قصه مفصل آلبوم «ایران جوان» و تصنیف‌های ملی‌میهنی‌اش با ترانه‌سازها و آهنگسازش به پایان می‌رسد؛ من اینجا ریشه در خاکم...

آلبومی که با حواشی مختلفی هم همراه بود ازجمله در رابطه با ملودی آهنگ «ایران جوان»؛ آهنگی که در عهد قاجار برای مراسمی نظامی ساخته شده بود.